

نوگرایی در سازوکارهای انتخاب مدرسه: بررسی معیارهای انتخاب مدرسه توسط دانش آموزان دبیرستانی

حمید فرهادی راد^۱*، حسین الهام پوردنیا^۲ دوستی^۳

Received: 03/02/2018
Accepted: 23/05/2018

صفحات: ۱۸۸-۱۶۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴
پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

چکیده

این تحقیق از نظر هدف، نظری-کاربردی و از نظر گردآوری و تحلیل اطلاعات در زمره پژوهش‌های توصیفی به شمار می‌رود. جامعه‌ی آماری شامل ۴۱۸۱۹ دانش آموزان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ (۲۱۸۶۰ نفر پسر و ۲۰۰۳۱ نفر دختر) بودند که از بین آن‌ها ۳۵۵ نفر براساس روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شد. برای شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب مدرسه از پرسشنامه محقق ساخته ۴۱ گویه‌ای که بر اساس طیف لیکرت نمره‌گذاری شده بود، استفاده گردید. در این تحقیق برای سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ و برای اطمینان از روایی ابزارها از روایی محتوایی و روایی سازه استفاده شد. روش پژوهش توصیفی و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی انجام گرفت. نتایج نشان داد که سه عامل اصلی شامل توانمندی مدرسه، ساختار کالبدی مدرسه و بازتاب بیرونی مدرسه در انتخاب مدرسه تأثیرگذار هستند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد تفاوت معنی‌داری بین معیارهای انتخاب مدرسه دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی با سایر مدارس دولتی وجود دارد.

کلید واژگان: انتخاب مدرسه؛ توانمندی مدرسه؛ ساختار کالبدی مدرسه؛ بازتاب بیرونی مدرسه.

^۱ عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

(نویسنده مسئول): h.farhadirad@scu.ac.ir

^۲ عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

^۳ کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

در گذشته و حتی در عصر حاضر، یکی از مهم‌ترین معیارهای انتخاب مدرسه دانش آموزان، نزدیکی مؤسسه آموزشی به محل زندگی خانواده بود. وجود این معیار در بسیاری از موارد اثر سایر مؤلفه‌ها را کاهش می‌داد و یا از بین می‌برد (Burgess & Briggs, 2010)؛ اما امروزه آموزش معنی و مفهوم جدیدی پیدا کرده است. به عبارتی رواج فناوری‌های مبتنی بر شبکه‌های جهانی و گسترش استفاده از رایانه‌ها در نظام آموزشی، سبب پدید آمدن محیط‌های جدید یادگیری به شکل رسمی و غیررسمی شده است (Najafi, 1394). بنابراین ذینفعان نظام‌های آموزشی خواسته‌های جدیدی از دانش‌آموختگان دارند. یکی از پیامدهای این تحولات اساسی این است که برای دستیابی دانش آموزان به برنامه‌های آموزشی متنوع و متکثر، معیار نزدیکی به محل زندگی کارآمد نیست و دانش آموزان به دنبال انتخاب از بین مدارس، برنامه‌های آموزشی، محتواهای آموزشی متنوع و کتب درسی گوناگون هستند (Beamish, P. & Morey, 2013). در این رهگذر موضوع آموزشی-اقتصادی انتخاب مدرسه، مورد توجه برخی اندیشمندان قرار گرفته است.

انتخاب مدرسه عبارت است از فرایند مطالعه زمینه برای انتخاب یک مدرسه یا برنامه آموزشی از بین مدارس و برنامه‌های متنوع آموزشی است که برای دانش آموزان هر دوره فراهم شده است (Rabovsky, 2011). از دهه ۱۹۹۰ مطالعات مختلفی بر روی سازوکارهای انتخاب مدرسه دانش آموزان انجام شد و نتایج نشان داد تصمیم یک دانش‌آموز برای تحصیل در یک مدرسه خاص، عموماً یک فرآیند بلندمدت است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از عوامل می‌شود (McKoy, Vincent and Makarewicz, 2008). Hassler (1987) انتخاب مدرسه را به‌عنوان یک فرآیند سه مرحله‌ای در نظر گرفته‌اند: الف) زمینه گردآوری اطلاعات که تصمیم فرد برای رفتن یا ماندن در یک مدرسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ب) بررسی که دانش آموزان به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازند و انتخاب می‌کنند که کدام مدرسه را مدنظر قرار دهند و ج) انتخاب (Callahan, 2015). بنابراین می‌توان گفت انتخاب مدرسه مسئله آسانی نیست و هر ساله بر تعداد دانش‌آموزانی که آگاهانه به دنبال مدارس بهتری هستند، افزوده می‌شود. این دانش آموزان در جستجوی سطوح بالاتر و باکیفیت‌تر یادگیری، خدمات متنوع و جذاب، فضای پرنشاط و برنامه‌های جانبی مطلوب هستند (Angus, 2015). از طرفی نظام‌های آموزشی دولتی، ماهیتاً برای پاسخگویی به این نیازهای نوظهور ذینفعان، دارای مشکلات بنیادین هستند. درواقع تدارک مدرسی باکیفیت بالا و دارای برنامه‌های آموزشی متنوع، با افزایش سرسام‌آور

هزینه همراه هستند که در بسیاری از موارد از عهده دولت‌ها خارج و یا در اولویت اقتصادی دولت‌ها نیست. واکنش به این مسئله در دو نگاه کلی سازوکار بازار و رویکرد عمومی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مطابق رویکرد عمومی، دانش یک کالای عمومی تلقی می‌شود و دولت‌ها خود را موظف می‌دانند که برای همگان فرصت‌های انتخاب محل کسب دانش از بین مدارس، مناطق آموزشی و یا حتی انتخاب از بین برنامه‌های مختلف را فراهم آورند. در رویکرد انتخاب بازار، از آنجا که دانش یک کالای خصوصی تلقی می‌شود، دولت دست از حمایت مالی نظام آموزشی برداشته و متقاضیان کسب دانش، نظام آموزشی را تأمین مالی می‌کنند؛ بنابراین در این رویکرد سازمان‌های آموزشی همانند سایر بخش‌های بازار برای جذب متقاضی، باهم رقابت می‌کنند. متقاضیان هم با توجه به تأمین مالی شخصی، دست به انتخاب می‌زنند و به دنبال یافتن بهترین و مناسب‌ترین مکان و برنامه آموزشی هستند (Entezari & Mahjoob, 1392). در این رویکرد، مدارس همانند بنگاه‌های اقتصادی سعی می‌کنند به بهترین وجه ممکن شرایط مورد نظر ذینفعان را فراهم آورند. هر موسسه تلاش می‌کند با تکیه بر مزیت رقابتی خود، دانش آموزان بیشتری جذب نماید و از این رهگذر منفعت بیشتری کسب نماید. در این زمینه (Ming, 2010) در بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر انتخاب مدرسه توسط دانش آموز در مالزی ادعا می‌کند که رقابت شدید در آموزش بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها را مجبور کرده که تبدیل به مؤسسات اقتصادی بزرگی شوند و استراتژی‌های بازاریابی را در جذب دانش آموزان محلی و غیربومی اجرا کنند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دانش آموزان معیارهای مختلفی برای انتخاب مدرسه در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال (Ming, 2010) محل استقرار مدرسه، برنامه آموزشی، شهرت مدرسه، امکانات آموزشی، هزینه، دسترسی به کمک‌هزینه تحصیلی، فرصت‌های شغلی و تبلیغات را مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انتخاب مدرسه می‌داند. نتایج پژوهش (Kitaswad, 2010) نشان داد که دوستان، معلمان، روش و برنامه‌های آموزشی، ساعاتی که دانش آموزان در مدرسه سپری می‌کنند و میزان هزینه‌ها مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخاب دانشگاه توسط دانش آموزان دبیرستان در تایلند هستند. در پژوهش (Rabovsky, 2011) مشخص شد که وجود امکانات مناسب یکی از معیارهای انتخاب مدرسه می‌باشد. نتایج پژوهش (Patall, Cooper & Wynn, 2010) نشان داد که توجه به نیازهای دانش آموزان در مدارس از مهم‌ترین حقوق آن‌ها می‌باشد و روبه‌روز زمینه توجه و گسترش و توجه به نیازهای دانش آموزان بیشتر فراهم می‌شود. پژوهش (Shokri, 1394) نشان داد که کارایی و بازدهی بالا، پایین بودن هزینه‌ها، نزدیکی به مدارس دولتی و اهمیت بعد تربیتی در مدارس، عواملی هستند که تعیین می‌کنند

دانش آموزان تمایل به انتخاب کدام مدارس پیدا می‌کنند. همچنین (Momeni, 1381) در پژوهش خود ادعا می‌کند که سه شاخص سطح آموزش، میزان هزینه و مقدار زمانی که صرف رسیدن به مدرسه می‌شود، در انتخاب مدرسه بسیار تأثیرگذار هستند. نتایج پژوهش (Zakeri, 1395) نشان داد که مدرسی که به نیازهای دانش آموزان توجه نمی‌کند، نرخ جابه‌جایی دانش‌آموز در آن‌ها بیشتر است و والدین کمتر این مدارس را برای تحصیل فرزندشان انتخاب می‌کنند. با توجه به بحث مختصر فوق می‌توان گفت انتخاب مدرسه مسئله نوظهوری است که شناسایی منطقی و معیارهای آن می‌تواند به اثربخشی فردی و سازمانی مؤسسات آموزشی کمک نماید.

مبانی نظری پژوهش

به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، شکاف میان آموزش و پرورش جدید و آموزش و پرورش سنتی نوعی تغییر پارادایم یا انقلاب محسوب می‌شود. آموزش و پرورش جدید دیدگاه کارکردگرایان در مورد جامعه، دانش و رفتار انسان را رد و نسبت به فهم الگوهای ارتباطی که ساخت اجتماعی واقعیت را شکل می‌دهند، ابراز علاقه کرده است. بر همین اساس مایکل یانگ (۱۹۷۱) توجه محققان را به عوامل ساختاری که در چارچوب مدرسه مورد غفلت واقع شده بودند، جلب کرد. به نظر وی اصطلاحاتی که ما در بحث از فرآیندهای آموزشی به کار می‌بریم، مطلق نیستند بلکه محصول کنش آدمی در شرایط تاریخی خاصی‌اند. پس انسان، معانی را برای درک دنیای اطراف خود خلق می‌کند (Zand, Mehrmohammadi & Fardanesh, 1396). در این معنای سازاگرایانه، آموزش و پرورش نوین به معنای یادگرفتن در زندگی و از زندگی و نیز فهمیدن جهان در حال تغییری است که در آن زندگی می‌کنیم (Sabouri Khosroshahi, 1388)؛ بنابراین مدرسه امروزه تنها محلی برای نگهداری و مراقبت از دانش آموزان نیست؛ بلکه مکانی برای رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و پرورشی آن‌ها از طریق اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌های درسی مفید و سازنده بر اساس اهداف آموزش و پرورش است. تحقق این امر بدون توجه به نیازهای دانش آموزان در مدرسه و دادن حق انتخاب مدرسه و حق دسترسی به آموزش و پرورش با کیفیت، امکان‌پذیر نخواهد بود. گلاسر این نیازهای نوپدید را به پنج گروه نیازهای اصلی انسان‌ها تقسیم می‌کند: تلاش برای زنده ماندن، دوست داشتن، رابطه با دیگران و حس تعلق، قدرت، آزادی و اختیار و لذت و خوشی (Glasser, 2005).

یکی از الزامات زیربنایی برای دستیابی به این نیازهای نو، آزادی انتخاب مدرسه برای دانش آموزان می‌باشد. (Walford, 1992 cited in Nafisi, 1380, 441). در انتخاب عمومی دولت به‌عنوان متولی نظام آموزشی باید به‌قدری هم از نظر مالی و هم از نظر سیاست‌گذاری آموزشی توانمند باشد که بتواند نظام آموزشی بسیار متنوع و متکثری فراهم آورد و بتواند زمینه حضور همه دانش آموزان را فراهم آورد. البته در این حضور امکان انتخاب از بین برنامه‌های آموزشی متنوع و مکان‌های آموزشی متعدد فراهم باشد. در رویکرد بازار این نقش و مسئولیت به مصرف‌کنندگان خدمات آموزشی یعنی خانواده‌ها و دانش آموزان واگذار می‌گردد. مخالفان رویکرد بازار وجود مدارس دولتی را برای ایجاد بستر شکل‌دهی و بازسازی نهادهای مردمی، ضروری می‌دانند؛ اما روشن است که خانواده‌هایی با مذاهب متفاوت یا گرایش‌های سیاسی گوناگون قادر خواهند بود محیط دلخواه را برای فرزندان خود برگزینند تا از تأثیر سایر مذاهب، دیدگاه‌های سیاسی و فلسفه‌ها در امان بمانند. طرفداران رویکردهای بازار حتی بر فواید یک تجربه‌ی مشترک عمومی و دولتی قلم بطلان می‌کشند و می‌پذیرند که این قبیل منافع به همان میزان در مدارس خصوصی نیز فراهم است و یا چنین فایده‌هایی تابع انتخاب مصرف‌کننده نیز هستند (Moradi, 1395). از طرفی دیگر برای ارائه‌دهندگان خدمات آموزشی مانند مدارس دولتی و مدارس بخش خصوصی، آگاهی از ویژگی‌هایی که بر تصمیم‌گیری متقاضیان بالقوه و جاری موسسه اثر می‌گذارند، بسیار ارزشمند و حیاتی است. آن‌ها می‌دانند دانش آموزان مدارس را انتخاب می‌کنند که با معیارهای آن‌ها از لحاظ فرهنگی، آکادمیک، اجتماعی و مالی مطابقت داشته باشد (Wood, Bagley, and Glatte, 1998).

روش‌شناسی

روش‌شناسی این تحقیق از نظر هدف، نظری-کاربردی و از نظر گردآوری و تحلیل اطلاعات در زمره پژوهش‌های توصیفی به شمار می‌رود. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان دوره دوم مدارس دولتی و غیردولتی شهر اهواز بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند. تعداد کل دانش آموزان دوره دوم شهر اهواز ۴۱۸۹۱ نفر می‌باشد که از این تعداد ۲۰۰۳۱ دانش‌آموز دختر و ۲۱۸۶۰ نفر دانش‌آموز پسر هستند. ابتدا حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۱ نفر تعیین شد و سپس با روش سهمیه‌ای مشخص شد که لازم است از این نمونه ۱۸۲ نفر دختر و ۱۹۹ نفر پسر باشند. در گام بعدی با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۱۰ مدرسه انتخاب شد. بدین صورت که ابتدا شهرستان اهواز را به ۴ منطقه تقسیم کرده و از هر بخش چند مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب کرده که

به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد. در این پژوهش برای بررسی «شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب مدارس توسط دانش آموزان» از روش میدانی با توزیع پرسشنامه استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. پرسشنامه موردنظر دارای ۴۱ گویه و بر اساس طیف لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) بوده که بر اساس ادبیات نظری، پژوهش‌های پیشین و تجربه زیسته پژوهشگر متغیرهای اثرگذار بر انتخاب مدرسه استخراج شدند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد، پرسشنامه دارای سه عامل توانمندی مدرسه، ساختار کالبدی مدرسه و بازتاب بیرونی مدرسه می‌باشد (مطابق جدول ۱). در این تحقیق برای تعیین روایی از روش صوری و محتوایی و تحلیل عاملی اکتشافی به کمک بهره‌گیری از نظرات اساتید راهنما و مشاور و متخصصان مدیریت و تعلیم و تربیت استفاده شده است. برای سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که با توجه به مقدار به‌دست‌آمده از آزمون آلفای کرونباخ که برابر با ۰/۸۷ بود، بنابراین سؤالات از پایایی قابل قبولی نیز برخوردار بودند. در این پژوهش به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش نیز از نرم‌افزارهای LISREL و SPSS استفاده شد.

یافته‌ها

بررسی اولیه نمونه پژوهش نشان می‌دهد ۳۹ درصد دانش آموزان در مدارس دولتی تحصیل کرده‌اند و ۲۹ درصد در مدارس غیرانتفاعی بوده‌اند. همچنین ۱۳ درصد دانش آموزان در هنرستان و ۱۳ درصد در مدارس هیئت‌امنائی مشغول به تحصیل بوده‌اند و ۱ درصد گزینه سایر مدارس را انتخاب کرده‌اند؛ بنابراین نمونه از توزیع مناسبی از نظر نوع مدرسه برخوردار بوده است. همچنین مطابق جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود که گویه‌های پرسشنامه در ویرایش اولیه به دو دسته عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی تقسیم‌بندی شدند.

جدول (۱): عوامل مؤثر بر انتخاب مدرسه

گویه‌ها	مؤلفه‌ها	انتخاب پرسشنامه مدرسه
۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵- ۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱	عوامل اجتماعی	
۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳- ۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰	عوامل اقتصادی	
۴۱	کل گویه‌های پرسشنامه تأیید شده	

جدول (۲): عوامل اجتماعی مؤثر بر انتخاب مدرسه

سطح معنی داری	t	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	متغیرها	بعد
۰/۰۰۰	۲۳/۱۴	۰/۷۶۳	۰/۰۵۴۶	۳/۵۰	نیروی انسانی	۴ ۳ ۱ ۰ ۳ ۱ ۰ ۳ ۱ ۰
۰/۰۰۰	۲۵/۱۹	۰/۴۳۳	۰/۰۶۵۷	۳/۵۲	محیط آموزشی	
۰/۰۰۰	۲۷/۱۵	۰/۵۱۸	۰/۰۵۳۲	۳/۵۶	فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی	
۰/۰۰۰	۳۰/۱۵	۰/۵۱۸	۰/۰۵۳۲	۳/۶۴	وجود دوستان	

برای پاسخ به این سؤال از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد و با توجه به نظر متخصصان و برخی پژوهش‌های پیشین، نقطه برش ۳ در نظر گرفته شد. نتایج مندرج در جدول (۲) نشان می‌دهد که هر چهار مؤلفه به ترتیب با میانگین‌های ۳/۵۰، ۳/۵۲، ۳/۵۶ و ۳/۶۴ با میانگین فرضی در سطح معناداری ۰/۰۱ تفاوت معناداری وجود دارند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانش آموزان اهواز نیروی انسانی، محیط آموزشی، فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی و وجود دوستان به‌عنوان مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر انتخاب مدرسه مطرح هستند.

سؤال دوم: کدامیک از عوامل اقتصادی بر انتخاب مدرسه دانش آموزان متوسطه شهر اهواز تأثیر معنی داری دارند؟ عوامل اقتصادی که در پرسشنامه اولیه شامل بیست گویه بود، در بر اساس مبانی نظری و برخی پژوهش‌های پیشین در چهار مقوله کلی‌تر نوع مدرسه، میزان هزینه، محیط فیزیکی و میزان زمان خلاصه شد.

جدول (۳): عوامل اقتصادی مؤثر بر انتخاب مدرسه

سطح معنی داری	t	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه	بعد
۰/۰۱	۱۸/۲۴	۰/۶۳۲	۰/۰۴۳	۳/۴۳	نوع مدرسه	عوامل اقتصادی
۰/۰۲	۱۷/۲۶	۰/۵۳۴	۰/۰۵۱	۳/۳۵	میزان هزینه	
۰/۰۰۰	۲۰/۱۲	۰/۴۸۷	۰/۰۴۶	۳/۴۸	محیط فیزیکی	
۰/۰۰۰	۱۹/۱۵	۰/۳۴۹	۰/۰۲۷	۳/۴۵	میزان زمان	

برای بررسی این عامل نیز از آزمون t تک نمونه‌ای و با نقطه برش ۳ استفاده شد. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که همه متغیرهای عامل اقتصادی با میانگین فرضی تفاوت معنی‌داری دارند. درواقع هر چهار متغیر به ترتیب با میانگین‌های ۳/۴۳، ۳/۳۵، ۳/۴۸ و ۳/۴۵ با میانگین فرضی نمونه در سطح معناداری ۰/۰۱ تفاوت معناداری وجود دارند؛ بنابراین از دیدگاه دانش آموزان اهواز نوع مدرسه، میزان هزینه، محیط فیزیکی و میزان زمان بر انتخاب مدرسه دانش آموزان اثرگذار هستند.

سؤال سوم این پژوهش مربوط به اکتشاف عوامل مؤثر بر انتخاب مدرسه بود؛ بنابراین سؤال به این صورت مطرح شد که ساختار پرسشنامه عوامل مؤثر در انتخاب مدرسه از چند عامل تشکیل شده است؟ برای بررسی این سؤال تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی انجام شد. در جدول شماره (۴) اطلاعات مربوط به ۱۰ عامل اول که دارای ارزش ویژه بالاتر از یک بوده‌اند ارائه شده است. سایر گویه‌ها که ارزش ویژه کمتر از یک داشته‌اند به دلیل تلخیص در جدول ارائه نشده است.

جدول (۴): مقادیر ویژه و عوامل قابل استخراج پاسخ‌های آزمودنی‌ها به پرسشنامه انتخاب مدرسه

شماره	ارزش ویژه		واریانس جمعی تبیین شده		
	درصد واریانس	کل	واریانس جمعی	کل	درصد واریانس جمعی
۱	۳۶/۳۰۰	۱۴/۸۸۳	۳۶/۳۰۰	۱۴/۸۸۳	۳۶/۳۰۰
۲	۷/۳۹۷	۳/۰۳۳	۴۳/۶۹۷	۳/۰۳۳	۴۳/۶۹۷
۳	۵/۶۷۷	۲/۳۲۸	۴۹/۳۷۴	۲/۳۲۸	۴۹/۳۷۴
۴	۴/۹۰۵	۲/۰۱۱	۵۴/۲۸۰	۲/۰۱۱	۵۴/۲۸۰
۵	۴/۴۶۴	۱/۸۳۰	۵۸/۷۴۸	۱/۸۳۰	۵۸/۷۴۸
۶	۳/۸۱۲	۱/۵۶۳	۶۲/۵۵۵	۱/۵۶۳	۶۲/۵۵۵
۷	۳/۴۳۴	۱/۴۰۸	۶۵/۹۸۹	۱/۴۰۸	۶۵/۹۸۹
۸	۲/۹۴۰	۱/۲۰۶	۶۸/۹۲۹	۱/۲۰۶	۶۸/۹۲۹
۹	۲/۸۵۷	۱/۱۷۱	۷۱/۷۸۶	۱/۱۷۱	۷۱/۷۸۶
۱۰	۲/۵۴۹	۱/۰۴۵	۷۴/۳۳۵	۱/۰۴۵	۷۴/۳۳۵

برای پاسخ سؤال سوم ابتدا آزمون کفایت نمونه‌گیری انجام شد. مقدار $KMO=0/60$ بود که نشان‌دهنده کفایت نمونه‌گیری است. همچنین، شاخص کفایت نمونه‌برداری برابر با $0/779$ ، میزان مجذور کای کرویت بارتلت برابر $12345,888$ که با درجه آزادی 820 در سطح $0/001$ $p >$ معنادار بود و در نتیجه، این مقادیر حاکی از مناسب بودن داده‌هاست و می‌توان از داده‌ها برای تحلیل عاملی استفاده کرد. ارزش ویژه ده عامل بزرگ‌تر از یک به دست آمد. این ده عامل در مجموع 74 درصد کل واریانس بین 41 ماده مورد مطالعه را تبیین می‌کنند. برخی از پژوهشگران به منظور تحقیق درباره روابط بین متغیرها و همچنین، دستیابی به تعاریف عامل‌ها ضرایب بالاتر $0/3$ و گاهی بالاتر از $0/4$ در تعریف عامل‌ها مهم و بامعنا دانسته و ضرایب کمتر از این حدود را به عنوان صفر (عامل تصادفی) در نظر گرفته‌اند. با در نظر گرفته شدن این نکات بعد از 3 چرخش به بهترین ساختار عاملی چهار عامل استخراج شد. در پژوهش حاضر حداقل ضریب عاملی $0/42$ در نظر گرفته شد. برای همسانی درونی عامل‌ها از آزمون اسکری تست استفاده شد. آزمون اسکری محدودکننده تعداد عامل‌ها با در نظر گرفتن ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک و همچنین حضور حداقل $3-5$ آیتم در هر عامل می‌باشد. آزمون اسکری نشان داد که فقط سه عامل قابل استخراج است.

عامل اول بانام توانمندی مدرسه با ارزش ویژه برابر $14/883$ و واریانس تبیین شده برابر $36/3$ درصد. **عامل دوم** بانام ساختار کالبدی مدرسه با ارزش ویژه برابر $3/033$ و واریانس تبیین شده برابر $7/397$ **عامل سوم** با بازتاب بیرونی مدرسه با ارزش ویژه برابر $2/328$ و واریانس تبیین شده برابر $5/677$ و در مجموع $49/374$ درصد واریانس تبیین شده است.

جدول (۵): ماتریس عامل‌های چرخش یافته به شیوه چرخش واریماکس

ماتریس چرخیده			
عامل‌ها			
۳	۲	۱	
		$0/782$	امتیازاتی ویژه مانند آموزش تست‌زنی و زبان انگلیسی
		$0/746$	آماده‌سازی دانش آموزان برای جذب بازار کار
		$0/745$	استفاده از استاد‌های معروف کشوری
		$0/718$	تبلیغات گسترده برای این مدرسه
		$0/703$	ارائه کمک‌هزینه به دانش آموزان کم‌توان مالی
		$0/694$	داشتن فضای آموزشی با امکانات مناسب

۱۷۸ نوگرایی در سازوکارهای انتفاع مدرسه؛ بررسی معیارهای انتفاع مدرسه توسط دانش آموزان دبیرستانی

	۰/۶۸۳	استفاده از فناوری‌های جدید در این مدرسه
	۰/۶۵۶	برگزاری دوره‌های آموزشی برای سال اولی در این مدرسه
	۰/۶۵۵	داشتن کتابخانه غنی و فعال در این مدرسه
	۰/۶۵۱	معرفی کسانی که قبلاً در این مدرسه تحصیل کرده‌اند
	۰/۶۳۲	برگزاری برنامه‌های ورزشی در مدرسه
	۰/۶۳۱	شهرت علمی مدرسه
	۰/۶۳۰	ارائه آموزشی که استعداد و یادگیری مرا شکوفا می‌کند
	۰/۶۲۷	تناسب هزینه مدرسه با کیفیت ارائه‌شده
	۰/۶۱۸	آمار بالای پذیرفته‌شدگان در دانشگاه‌های برتر دولتی این مدرسه
	۰/۶۱۶	بوفه مدرسه تنوع مواد غذایی و بهداشتی مناسبی دارد
	۰/۶۱۱	برگزاری همایش‌های متفاوت در این مدرسه
	۰/۵۸۰	کیفیت آموزشی این مدرسه
	۰/۵۷۴	قابلیت رقابت مدرسه با دیگر مدارس
	۰/۵۶۰	ارائه خدمات مشاوره‌ی تحصیلی در این مدرسه
	۰/۵۵۹	رفتار مناسب دبیران و کادر مدرسه
	۰/۵۵۲	استفاده از مدرسان مجرب
	۰/۴۷۹	ارائه برنامه‌های آموزشی موردنیاز من
	۰/۴۶۷	رشته من فقط در این مدرسه موجود است
	۰/۴۶۵	هزینه‌ای که خانواده برای این مدرسه من صرف می‌کند
	۰/۴۵۷	هزینه ثبت‌نام در این مدرسه
	۰/۷۲۲	اندازه مدرسه
	۰/۷۲۰	تعداد دانش آموزان هر کلاس
	۰/۶۸۴	تعداد دانش آموزان مدرسه
	۰/۵۰۸	کیفیت کلاس‌های فوق‌برنامه و تقویتی
	۰/۴۸۳	کلاس‌های فوق‌برنامه آموزشی مدرسه
	۰/۴۷۳	پیشنهاد والدین
	۰/۴۴۷	تحصیل دانش آموزان هم‌سطح من در آن مدرسه
۰/۸۰۱		ثبت‌نام دوستانم در مدرسه
۰/۷۳۸		پیشنهاد دوستان
۰/۶۶۳		برگزاری اردوهای علمی و تفریحی
۰/۶۲۷		دولتی یا غیردولتی بودن مدرسه
۰/۴۲۱		تجربه اعضای خانواده، فامیل و دوستان در این مدرسه

با توجه به جدول (۵)، می‌توان گفت عامل اول با پرسش‌هایی همبسته است که میزان توانمندی مدرسه برای جذب دانش آموزان به مدرسه را نشان می‌دهد و بزرگ‌ترین بار عاملی مربوط به سؤال ۳۶ (امتیازاتی ویژه مانند آموزش تست‌زنی و زبان انگلیسی) با بار عاملی ۰/۷۸۲ است. عامل دوم با سؤال‌هایی همبسته است که ساختار کالبدی مدرسه را می‌سنجد؛ در این عامل بیشترین بار عاملی مربوط به سؤال ۱۳ (اندازه مدرسه) با بار عاملی ۰/۷۲۲ است، عامل سوم با سؤال‌هایی همبسته است که بازتاب بیرونی مدرسه را می‌سنجد و بیشترین بار عاملی در این مؤلفه مربوط به سؤال ۲ (ثبث نام دوستانم در مدرسه) با بار عاملی ۰/۸۰۱ است. نکته قابل توجه اینکه متغیرهای شماره ۱ (نزدیکی مدرسه به محل سکونت)، شماره ۱۲ (استفاده از مدرسان مجرب در ساعات‌های غیردرسی) و شماره ۲۴ (ارائه برنامه‌های دینی در مدرسه) روی هیچ‌کدام از عوامل قرار نگرفتند؛ بنابراین از چرخه تحلیل حذف شدند.

سؤال چهارم مربوط به انسجام درونی متغیرهای پرسشنامه است و در این مورد سؤال به این‌گونه مطرح شد که آیا پرسشنامه از روایی سازه و پایایی مناسبی برخوردار است؟ برای بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی (Kareshki & Bahmanabadi, 1395) استفاده شد. در روش تحلیل عاملی اکتشافی عمده‌ترین هدف مشخص کردن حداقل تعداد عامل‌ها به منظور برآورد همبستگی بین آزمون‌ها است. علاوه بر این، تحلیل عاملی مستلزم سؤال‌هایی درباره روایی است. در فرایند تعیین این مطلب که آیا عامل‌های شناخته شده با یکدیگر همبسته هستند یا نه تحلیل اکتشافی به این پرسش روایی سازه جواب می‌دهد که آیا نمره‌های آزمون آنچه را آزمون باید بسنجد، اندازه می‌گیرد؟ (Hojati, 1395). نتایج مندرج در جدول (۵) تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی نشان می‌دهد که توانمندی مدرسه، ساختار کالبدی مدرسه و بازتاب بیرونی مدرسه سه عامل مهم هستند که در مجموع نزدیک به نیمی از واریانس انتخاب مدرسه را تبیین می‌کنند. همچنین در این سؤال برای سنجش میزان همگرایی بین مؤلفه‌های اثرگذار بر انتخاب مدرسه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول (۶): ضرایب همبستگی بین عوامل انتخاب مدرسه

توانمندی مدرسه	ساختار کالبدی مدرسه	بازتاب بیرونی مدرسه	تعداد
توانمندی مدرسه			۳۳۵
ساختار کالبدی مدرسه	**۰/۵۹		۳۳۵
بازتاب بیرونی مدرسه	**۰/۷۲	**۰/۷۴	۳۳۵
**P<0/01			

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مؤلفه‌ها در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. در بخش دوم این سؤال برای تحلیل انسجام و همسانی درونی سؤالات پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقادیر آلفا در جدول (۷) آمده است همه مقادیر در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار هستند.

جدول (۷): ضریب آلفای کرانباخ برای عوامل مؤثر بر انتخاب مدرسه

ردیف	نام عامل	تعداد ایتیم‌ها	ضریب الفا
۱	توانمندی مدرسه	۲۶	۰/۹۵۳
۲	ساختار کالبدی مدرسه	۷	۰/۷۸۳
۳	بازتاب بیرونی مدرسه	۵	۰/۷۴۲
کل		۳۸	۰/۹۵۲

بررسی وضعیت موجود

در این بخش به بررسی وضعیت موجود بر اساس عوامل سه‌گانه توانمندی، ساختار کالبدی و بازتاب بیرونی مدرسه پرداخته می‌شود. مشارکت‌کنندگان از ۴ گروه مختلف دبیرستان‌های دولتی، دبیرستان‌های غیرانتفاعی، هنرستان‌ها و دبیرستان‌های هیئت‌امنایی انتخاب شده بودند. نتایج این بررسی در جدول (۸) خلاصه شده است.

جدول (۸): مقایسه انواع مدرسه بر اساس عوامل سه‌گانه

مقایسه انواع مدرسه												نوع مدرسه	عامل‌ها
هیئت‌امنایی			هنرستان‌ها			غیرانتفاعی			دولتی				
انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۱/۳	۳/۴۸	۴۸	۱/۰۳۳	۴/۲۳	۵۲	۱/۶۴	۲/۷۷	۹۸	۱/۲۲۷	۳/۴۴	۱۳۷	توانمندی مدرسه	
۱/۱۸	۳/۳۹	۴۸	۰/۸۴۱	۳/۱۹	۵۲	۱/۶۸	۳/۱۰	۹۸	۱/۰۱۹	۳/۸۸	۱۳۷	ساختار کالبدی مدرسه	
۱/۳۳	۳/۰۶۴	۴۸	۱/۳۴۶	۳/۹۳	۵۲	۱/۴۲۳	۳/۴۰	۹۸	۱/۲۲۱	۳/۸۵	۱۳۷	بازتاب بیرونی مدرسه	

۱/۲۷	۱/۳۱	۴۸	۱/۰۷۳	۳/۴۵	۵۲	۱/۵۸۱	۳/۰۹	۹۸	۱/۱۵۶	۳/۳۹	۱۳۷	کل
------	------	----	-------	------	----	-------	------	----	-------	------	-----	----

مطابق مندرجات جدول (۸) توانمندی مدرسه با میانگین ۴,۲۳ و انحراف استاندارد ۱,۰۳۳ و بازتاب بیرونی مدرسه با میانگین ۳,۹۳ و انحراف استاندارد ۱,۳۴۶ مهم‌ترین عوامل انتخاب مدرسه از دیدگاه دانش آموزان هنرستان‌ها بوده‌اند. از دیدگاه دانش آموزان دبیرستان‌های دولتی ساختار کالبدی با میانگین ۳,۸۸ و انحراف استاندارد ۱,۰۱۹ و بازتاب بیرونی مدرسه با میانگین ۳,۸۵ و انحراف استاندارد ۱,۲۲۱ عوامل مهم‌تری به شمار می‌روند. از دیدگاه دانش آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی بازتاب بیرونی مدرسه عامل مهم‌تری به شمار می‌رود. همچنین از دیدگاه دانش آموزان دبیرستان‌های هیئت‌امنایی بازتاب بیرونی مدرسه با توجه به میانگین و انحراف استاندارد مشخص شده از اهمیت کمتری برخوردار است. سؤالی که در اینجا می‌تواند مطرح شود این است که آیا اختلاف بین میانگین‌ها معنی‌دار است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شده است و نتایج در جدول (۹) خلاصه شده است.

جدول (۹): تحلیل واریانس یک‌راهه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
بین گروه‌ها	۳/۸۲۳	۳	۱/۲۷۴	۱۵۱/۵۴۲	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۲/۷۸۳	۳۳۱	۰/۰۰۸		
جمع	۶/۶۰۶	۳۳۴			

نتایج تحلیل واریانس جدول (۹) نشان می‌دهد که اختلاف بین دانش آموزان در گروه‌های دبیرستانی مختلف از منظر عوامل سه‌گانه فوق تفاوت در سطح ۰/۵ معنی‌دار است. برای پیگیری از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

جدول (۱۰): نتایج آزمون تعقیبی شفه

گروه‌ها	میانگین اختلافات I-J	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری	فاصله اطمینان	
				حد پایین	حد بالا
دولتی غیرانتفاعی هنرستان هیئت‌امنایی	۰/۲۱۱۵۱	۰/۰۱۷۳۴	۰/۰۰۰	۰/۱۵۲۶	۰/۲۷۰۴
	-۰/۰۳۵۴۵	۰/۰۱۸۳۳	۰/۲۹۲	-۰/۰۹۹۷	۰/۲۶۸
	۰/۰۵۲۶۰	۰/۰۱۸۸۵	۰/۰۵۲	-۰/۰۱۱۴	۰/۱۱۶۶

-۰/۱۵۲۶	-۰/۲۷۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷۳۴	-۰,۲۱۱۵۱	غیرانتفاعی دولتی
-۰/۲۰۴۶	-۰/۲۸۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲۴۹	-۰,۲۴۶۹۷	هنرستان
-۰/۱۱۳۰	-۰/۲۰۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳۲۵	-۰,۱۵۸۹۱	هیئت امنایی
۰/۹۷۷	-۰/۰۲۶۸	۰,۲۹۲	۰/۰۱۸۳۳	۰,۰۳۵۴۵	دولتی هنرستان
۰/۲۸۹۴	۰/۲۰۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲۴۹	۰,۲۴۶۹۷	غیرانتفاعی
۰/۱۳۷۳	۰/۰۳۸۸	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴۵۲	۰,۰۸۸۰۶	هیئت امنایی
۰/۰۱۱۴	-۰/۱۱۶۶	۰/۰۵۲	۰/۰۱۸۸۵	-۰,۰۵۲۶۰	دولتی هیئت امنایی
۰/۲۰۳۹	۰/۱۱۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳۲۵	۰,۱۵۸۹۱	غیرانتفاعی
۰/۰۳۸۸	۰/۰۱۳۷۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴۵۲	-۰,۰۸۸۰۶	هنرستان

نتایج جدول (۱۰) نشان می‌دهد که دانش آموزان دبیرستان‌های دولتی با هنرستان‌ها، دبیرستان دولتی با مدارس هیئت امنایی و دبیرستان‌های هیئت امنایی با هنرستان‌ها اختلاف معنی‌دار نیست. همچنین بین الگوی انتخاب مدرسه دبیرستان‌های غیرانتفاعی با سایر مدارس تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب مدرسه موضوعی است که از منظر تعلیم و تربیت، اقتصاد آموزش و پرورش و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش قابل طرح و بررسی است. از دیرباز تلاش همه دولت‌ها فراهم آوردن زمینه تحصیل برای بخش عظیمی از آحاد جامعه و در صورت امکان برای تمامی افراد واجب‌التعلیم بوده است. این پدیده تحت عنوان یک سازه کلی بنام دسترسی و برخورداری از آموزش خودنمایی می‌کند. دسترسی و برخورداری از آموزش یکی از معیارهای موفقیت دولت‌هاست؛ بنابراین تلاش زائدالوصفی برای رسیدن به این خواسته اجتماعی مطرح بوده است. یکی از کاربردی‌ترین سازوکارها که به شکلی گسترده در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفته است، انتخاب مدرسه بر اساس نزدیکی به محل زندگی است. گرچه انتخاب مدرسه بر اساس این متغیر از گذشته مورد توجه بوده و حتی امروزه نیز در برخی موارد به شکلی افراطی دانش آموزان به نزدیک‌ترین مدرسه محل زندگی‌شان ارجاع داده می‌شوند، اما این معیار امروزه با تردیدهای اساسی مواجه شده است. سوا لاتی از قبیل اینکه آیا نزدیک‌ترین مدرسه الزاماً بهترین برنامه‌های مورد نظر دانش آموزان را ارائه می‌کند؟ با دیدگاه‌های سیاسی، دینی، اقتصادی و ... دانش آموزان همخوانی دارد؟ با نیازهای نوظهور دانش آموزان پاسخ می‌گوید؟ این تردیدها باعث شده است توجه پژوهشگران به سمت معیارهایی غیر از نزدیکی به محل زندگی معطوف شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور کلی سه مؤلفه اساسی بخش قابل‌توجهی از واریانس انتخاب مدرسه دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند. این سه مؤلفه اساسی عبارت‌اند از توانمندی مدرسه، ساختار کالبدی مدرسه و بازتاب بیرونی مدرسه که در ادامه تحلیل و تبیین می‌شوند.

توانمندی مدرسه: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از متغیرها که بانام توانمندی مدرسه نام‌گذاری شدند، بر انتخاب مدرسه توسط دانش‌آموزان تأثیرگذار هستند. همچنین گرچه توانمندی مدرسه از نظر همه دانش‌آموزان بسیار مهم است و سهم بسیار بالایی از واریانس انتخاب مدرسه را تبیین می‌کند؛ اما این عامل از نظر دانش‌آموزان هنرستان‌ها و سایر مدارس دولتی نسبت به دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی اهمیت بیشتری دارد. اینکه چرا دانش‌آموزان مدارس توانمند را ترجیح می‌دهند نکته قابل‌تأملی است و نشان می‌دهد که فارغ از نوع مدرسه و منطقه آموزشی، دانش‌آموزان دوست دارند در مدرسی که می‌تواند برای آن‌ها ظرفیت آفرینی کند، تحصیل کنند. در حقیقت دانش‌آموزان امیدوارند که با تحصیل در این‌گونه مدارس به اهداف خود در آینده نزدیک‌تر بشوند. مدارس توانمند دارای ویژگی‌هایی هستند که نمی‌توان به راحتی از آن‌ها چشم‌پوشی کرد؛ بنابراین همواره دانش‌آموزان زیادی تمایل دارند در این مدارس به تحصیل بپردازند. در حقیقت، مدارس توانمند از طریق ایجاد مزیت رقابتی، ویژگی‌هایی برای خود می‌آفرینند که سایر رقبا از چنین امتیازاتی برخوردار نیستند. تنوع برنامه‌های آموزشی، کیفیت نیروی انسانی، فراهم آوردن زمینه آموزش‌های بیشتر از برنامه‌های درسی مصوب از جمله این ویژگی‌های توانمند ساز هستند. به‌طور کلی این ویژگی‌های دامنه‌ای از تبلیغات گسترده، تدارک فناوری‌های نوین برای مدرسه، استفاده از اساتید برجسته و ... تا آماده ساختن دانش‌آموزان برای بازار کار را در برمی‌گیرد. چنین مدرسی با اقبال عمومی و تقاضا برای تحصیل مواجه خواهند شد. این ویژگی‌های بیشتر با رویکرد بازار سازگاری دارد. در حقیقت چنین مدرسی، مدارس با ارائه آموزش‌های باکیفیت می‌توانند کیفیت جامعه را بهبود ببخشند. نوجوانانی که در مدارس کیفی تحصیل می‌کنند، درگیر رفتارهای خود تخریب‌گر نخواهند شد و به سرمایه‌های جامعه تبدیل می‌شوند. تشکیل سرمایه اجتماعی آرزوی جامعه و همچنین آرزوی تک‌تک افراد جامعه می‌باشد؛ بنابراین می‌تواند بر رشد اقتصادی جامعه اثرات مطلوب بگذارد. در این زمینه (Masreri, Rezaee, & Ostadhasanloo, 1391) ادعا می‌کنند هیچ راه مؤثر و مقرون به‌صرفه‌تری برای رشد اقتصادی یک منطقه و شهر بهتر از آن نیست که به داشتن مدارس خوب و ممتاز شناخته شود. (Glasser, 2005) بیان می‌کند که به انتظار روزی هستیم که تعداد مدارس کیفی افزایش یابد و در اثر این افزایش انجمن مدارس کیفی تشکیل شود تا

معیارهای مدارس کیفی را تعیین کند و به دیگر مدارس در جهت حرکت به سوی مدرسه‌ی کیفی شدن کمک نماید. همچنین کمیته‌هایی اعزام کند برای ارزیابی مدارس که برای تبدیل شدن به مدرسه کیفی از آمادگی لازم برخوردارند. آرزوی من این است که پرچم مدارس کیفی در زیر پرچم هر کشوری در سراسر جهان به اهتزاز درآید. از شما نیز دعوت می‌کنم در تحقق این چشم‌انداز با من همگام شوید.

ساختار کالبدی: فیزیک مناسب مدرسه برای دانش آموزان اهمیت زیادی دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار کالبدی مدرسه خود به تنهایی حدود ۷ صدم واریانس انتخاب مدرسه دانش آموزان را تبیین می‌کند. همچنین بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان ادعا کرد که دانش آموزان دبیرستان‌های دولتی نقش این عامل را مهم‌تر از دانش آموزان سایر مدارس می‌دانند و برای آن اهمیت بیشتری قائل‌اند. ریشه این تفکر را می‌توان در این باور جستجو کرد که آموزش بهتر در یک محیط آموزشی محدود و قابل کنترل، امکان‌پذیر است. امروزه نرم‌هایی وجود دارد که بر اساس آن‌ها مشخص می‌شود که ساختار کالبدی یک مدرسه مناسب است یا خیر. به‌عنوان مثال مدارس مختلف بر اساس شاخص نسبت دانش‌آموز به فضای فیزیکی مدرسه و نسبت به فضای آموزشی مدرسه قابل تفکیک هستند. دولت جمهوری اسلامی ایران برای کنترل هزینه‌ها و همچنین مدیریت کیفیت مدارس هر ساله تراکم متوسط رده‌ها را تعیین و در صورتی که نسبت به گذشته تغییراتی داشته باشد، به همه مدارس ابلاغ می‌نماید. برخی از دانش آموزان ترجیح می‌دهند که در مدرسه‌ی با نرخ ثبت‌نام خاص تحصیل کنند. به عبارتی مدارس که تعداد دانش آموزان در آن‌ها زیاد نباشد و فرصت یادگیری بیشتری در اختیار دانش آموزان باشد، یکی دیگر از معیارهای نوظهور برای انتخاب مدرسه می‌باشد. جمعیت دانش‌آموزی زیاد می‌تواند فرصت‌های یادگیری را کاهش داده و مدرسه را از اولویت انتخاب دانش آموزان و اولیاء خارج نماید. همچنین فضای فیزیکی مدرسه شامل فضای بازی و ورزش، سالن‌های کنفرانس، کتابخانه و ... بر جذابیت مدرسه می‌افزاید. این امکانات کالبدی که می‌توانند بر کیفیت و غنای آموزش بیفزایند، امروزه مورد توجه دانش آموزان و اولیاء آن‌ها قرار گرفته است. از نظر تئوریک امروزه فضای فیزیکی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر کیفیت یادگیری است به‌گونه‌ای که محیط یادگیری را از خود یادگیری قابل تفکیک نمی‌دانند.

تأثیر محیط یادگیری بر کیفیت یادگیری در نظریه‌های مختلفی بحث و تبیین شده است. به‌عنوان مثال کرت لوین بر این باور است که رفتار در نتیجه تعامل بین افراد و محیط پیرامونی وی شکل می‌گیرد. در واقع، برای درک رفتار انسان باید به کل موقعیتی که رفتار در آن اتفاق

می‌افتد، توجه شود. اصطلاح «کل موقعیت» به معنی انسان و محیط او است. لوین اضافه می‌کند موقعیت‌ها ضرورتاً متشکل از عوامل و عناصر عینی و ملموس محیطی نیستند، بلکه درک و برداشت خود فرد از آن موقعیت تعیین‌کننده است و باید مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس و در ارتباط با یادگیری، توجه به شرایط محیط و زمینه‌های مربوط به آن ضرورت می‌یابد. طبق نظریه تطابق محیطی، ادراکات و شناخت‌های شخص از محیط اطراف خود (محیط ذهنی) شکل‌دهنده رفتار او هستند. همچنین در دیدگاه بندورا، انسان صرفاً دریافت‌کننده رویدادهای محیط نیست، بلکه به‌گونه‌ای فعال، تجارب گذشته و زمان حال را تعبیر و تفسیر می‌کند و بر اساس آن دست به پیش‌بینی می‌زند. درعین حال، هر انسانی دارای نظام خودنظم‌بخشی است که با استناد به آن، اعمال و رفتارهای خود را ارزیابی می‌کند. این ارزیابی بر عملکرد او و به تبع آن بر محیط زندگی وی اثر می‌گذارد. از سویی دیگر، خودکارآمدی یادگیرنده تحت تأثیر محیط شکل گرفته و تغییر پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال در محیطی که بین یادگیرندگان رقابت وجود دارد فضای حاکم بر یادگیری متفاوت از محیطی است که یادگیرندگان، رقابتی با هم ندارند. یا اینکه یادگیرندگانی که از یک مدرسه به مدرسه دیگر منتقل می‌شوند، خودکارآمدی‌شان کاهش می‌یابد (Yousofi afrashteh, Morovati & Cheraghi, 1394)؛ بنابراین منطقی است که توجه به عوامل کالبدی از مهم‌ترین معیارهای انتخاب مدرسه در عصر حاضر باشند.

بازتاب بیرونی مدرسه: مدارس غیرانتفاعی به بازتاب بیرونی مدرسه اهمیت بیشتری می‌دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این عامل به‌تنهایی حدود ۶ صدم واریانس انتخاب مدرسه را تبیین می‌کند. یکی از مکانیسم‌های مورد استفاده برای موفقیت در رویکرد بازار، بازتاب بیرونی سازمان است. شرکت‌های دارای حسن شهرت، کیفیت محصول و قیمت رقابتی معمولاً با استقبال مشتریان‌شان مواجه می‌شوند. در این میان کیفیت برتر شاید از سایر موارد مهم‌تر هم باشد. این عامل در نظریه بازار قابل توجه و تبیین است. امروزه کمتر تولیدکننده‌ای است که بخش قابل توجهی از منابع مالی خود را به تبلیغات اختصاص ندهد. برند سازی نمونه برجسته‌ای از فعالیت‌های سازمان‌ها برای بازتاب مناسب فعالیت‌ها در محیط بیرونی است. همه این فعالیت‌ها در راستای این هدف است که به جامعه بیرونی و ذینفعان نزدیک و دور القاء شود. موسسه مورد نظر از سایر رقبا بهتر است و عملکرد قابل قبول‌تری دارد. همسالان یکی از مهم‌ترین رسانه‌هایی هستند که می‌توانند به گسترش استفاده از خدمات آموزشی مدرسه کمک کنند و یا تمایل به آن را محدود نمایند. زمانی که دانش آموزان از کیفیت آموزشی مدرسه رضایت داشته باشند هر یک مبلغ بی‌چشمداشتی برای مدرسه

موردنظر خواهند شد. ثبت نام دوستانم در مدرسه، پیشنهاد دوستان، برگزاری اردوهای علمی و تفریحی، دولتی یا غیردولتی بودن مدرسه، تجربه اعضای خانواده، فامیل و دوستان در این مدرسه، همه و همه می‌توانند این بازتاب بیرونی را تلطیف و یا تخریب نمایند.

به‌طور کلی می‌توان گفت بر پایه نتایج این پژوهش اختلاف معنی‌داری بین الگوی انتخاب مدرسه دانش آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی و سایر دانش آموزان دبیرستان‌های دولتی وجود دارد. دانش آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی تمایل بیشتری به بهره‌گیری از سازوکارهای بازار نشان می‌دهند. این نکته با منطق ایجاد مدارس غیرانتفاعی سازگاری دارد؛ زیرا پایه ایجاد مدارس غیردولتی، تکیه بر ایجاد آموزش باکیفیت با مشارکت افراد و سازمان‌های غیردولتی (بخش خصوصی) می‌باشد. سخن آخر اینکه بسیاری از معیارهای نوظهور عصر جدید در گذشته به دلایل مختلف مانند دلایل مادی و یا فقر مفهومی، مورد توجه قرار نمی‌گرفتند. امروزه تعلیم و تربیت به معنی سرمایه‌گذاری گسترده جامعه و افراد بر روی توانایی‌های خود، ذیل نظریه سرمایه انسانی، امری هدف‌دار و بلندمدت تلقی می‌شود؛ بنابراین انتخاب مدرسه به‌منظور دسترسی به آموزش‌های باکیفیت در قالب نزدیکی به محل زندگی قابل توجه نیست و معیارهای جدیدی برای آن وجود دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند با معرفی برخی از این معیارها از نظر مفهومی و عملیاتی در سیاست‌گذاری‌های نظام‌های آموزشی و همچنین به خانواده‌ها برای انتخاب بهینه مدرسه کمک نماید.

منابع

- Angus, A. (2015). School choice: neoliberal education policy and imagined futures, *British Journal of Sociology of Education*, 36(3), 395-413.
- Beamish, P. & Morey, P. (2013). "School choice: what parents choose, *TEACH Journal of Christian Education*, 7(1), retrieved from <https://research.avondale.edu.au/teach/vol7/iss1/7>.
- Burgess, S. & Briggs, A. (2010). "School assignment, school choice and social mobility, *Economics of Education Review*, 29(4), 639-649.
- Callahan. L. K. (2015). *Understanding the college application and decision-making process in context African American students and their families*. (Unpublished doctoral dissertation). University of Michigan, USA.
- Entezari, Y. & Mahjoob, H. (1392). Selecting appropriate mechanism and method for allocation of public funds in higher education, *Quarterly Journal of Research and palnning in higher education*, 19(2), 49-68.
- Glasser, W. (2005). *Defining mental health as a public health problem, a new leadership role for the helping and teaching professions*, William Glasser, Inc.

- Hojati, F. (1395). Statistical analysis: factor analysis, retrieved from <http://toptahlil.com/on October 2016>.
- Kareshki, H. & Bahmanabadi, S. (1392). Evaluation of Components and Research Self – Efficacy's Structural Factor Among Graduate Students, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 19(2), 114-91.
- Kitasawad. K. (2013). *An investigation of factors affecting high school student's choice of university in Thailand*. (Unpublished doctoral dissertation). University of Wollongong, Australia.
- Masreri, F. F., Rezaee, S. A. & Ostadhasanloo, H. (1391). Barriers to Using Information and Communication Technology in the Learning / Teaching Process, *Quarterly Journal of Educational Strategies*, 5(1), 21-15.
- McKoy, D. L., Vincent, J. M., & Makarewicz, C. (2008). Integrating Infrastructure Planning: The Role of Schools, *ACCESS*, 33(4), 18–26.
- Ming. J. S. K. (2010). Institutional Factors Influencing Students' College Choice Decision in Malaysia: A Conceptual Framework, *International Journal of Business and Social Science*, 1(3), 53-58.
- Moradi, H. (1395). *Islamic-Iranian pattern for skill training in Tehran high Schools*. (Unpublished doctoral thesis). Allameh Tabatabaei University, Iran.
- Momeni, M. (1381). Fuzzy multiple factor decision making model for prioritizing schools for child registration, *Quarterly Journal of Future Management Studies*, 14(2), 91-83.
- Nafisi, A. H. (1380). *Encyclopedia of Education Economics*, Volume II, Tehran: Research Institute of Education.
- Najafi, Z. (1394). Smart School: Structure and Features, *In Proceedings of the Second National Conference on Management and Planning, Training and Standardization, 13-15 Esfand 1394, Tehran, Iran*, Foundation for the Promotion of Science and Technology (pp.132-145).
- Patall, E. Cooper, H. & Wynn, S. (2010). The effectiveness and relative importance of choice in the classroom. *Journal of Educational Psychology*, 102(4), 896-915.
- Rabovsky, T. (2011). Deconstructing School Choice: Problem Schools or Problem Students? *Public Administration Review*, 71 (1), 87-95.
- Saboori khosroshahi, H. (1388). Education in the age of globalization, *Quarterly Journal of strategic public policy making studies*, 1(1), 153-196.
- Shokri, A. (1444). An investigation into Tehranian families' viewpoint to choice public/nonprofit schools. *In Proceedings of the second conference of sustainable development in psychology, education, social and cultural studies, Tehran, Iran, 15th Khordad 1394* (pp. 188-195).
- Wood, P. Bagley, C. & Glatter, R. (1998). *School Choice and Competition: markets in the public interest*, London: Routledge.

- Yousefi, A. M., Morovti, Z. & Cheraghi, A. (1394). Identifying the Components of Effective Learning Environment Based on the Perceptions of Health Students, *Journal of Educational Strategies in medician*, 8(4), 268 -261.
- Zakeri, T. (1395). *Choice theory application in highe schools: Teachers view points*, (Unpublished master thesis) Alzahra University, Iran.
- Zand, G. A., Mehrmohammadi, M. & Fardanesh, G. (1396). Conceptualizing Powerful Knowledge according to Michael Young's Knowledge-based Curriculum Theory, *Journal of Theory & Practice in Curriculum*, 9 (5), 5-36.

